

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نورالله وثوق
دوشنبه - ۱۳۸۹/۴/۲۱

پای بردگان

خوراکِ هوش

غرورِ قرنِ غارت را شعاریم
به هر چه غیرِ غیرتِ هی به کاریم
بود خوراکِ ما تا کی شرارت
چه خوش گر ریشه عشقی بکاریم

دشتِ سینه

میان خانه ما دود تا کی؟
در و کلکین دل مسدود تا کی؟
ز موج او سیما و سپیده
به دشتِ سینه جاری رود تا کی؟

سایه سارا

تماشا کن شتابِ شعله ها را
ببین بر سایه سرسام سارا
اسیرِ انتحارت گشته شهری
نیینی تا به کی روی خدا را؟

ترحیم روان

چو دیدی هوش ما آتش زبان است
مپنداری که جشنی در میان است
شبِ میلادِ اوجِ زندگانی
درینجا روزِ ترحیمِ روان است

پای بردگان

بزن بر فرق آن اندیشه ای مشت
که بر روی هوسها برنیاشفت
به مرداری نیرزد آن تنی کو
دل خود را به پای بردگان کشت

انگشت و خروار

به آئین دل اندیشان مکن پشت
مزن بـــــــر دیده آئینه ها مشت
بیا تـــــــا پاس مردی را بداریم
نمک خوردن چه خروار و چه انگشت

رگبار دانش

دمی مردانگی را امتحان کن
خودت را پشت رمز دل نهان کن
بسه زور آتش رگبار دانش
دو چشم خیره شب را نشان کن

روز مادر

از آن حالی که دیدم در گذشته
دگر کار از من و تو در گذشته
ببین بر دیده خــــونین میهن
چه روزی بر سر مادر گذشته

شیر شهر

دری بر روی دلها وانمانده
بـــــــرای رفتن دل پانمانده
دگــــر حتی ز دست تشنگیها
نفس در شیر شهر ما نمانده

روی بردگی

چرا با هر چه بدحالی بسازیم؟
بیا تا دیده را حالی بسازیم
هلا تا جاغور صد تیر دل را
به روی بردگی خالی بسازیم

رام آتشگر

عطش تا کی بگیره در برادر
بزن بر تشنگی ها سر برادر
پر این غنچه های خفته در آه
مبادا رام آتشگر برادر

<http://norollahwosuq.blogfa.com/>